

Journal of Imamiyyah Studies

Vol. 8, No. 16, March 2023

(DOI) 10.22034/jis.2022.302026.1699

Criticism of the Claim of Fawaz ibn Ahmad ibn Ali Rezwan about the Contradiction in Shiite Traditions on the Number of Imams (AS)

Hasan Zarnusheh Farahani*

Elaheh Haj Ismail Lawasani**

(Received on: 2021-08-29; Accepted on: 2021-11-23)

Abstract

In the Shia hadith sources, in addition to many traditions that introduce the number of Shia Imams (AS) as twelve, there are other traditions that seem to conflict with them, citing the number of Imams other than twelve. Adducing these traditions, an Arabic article entitled "The conflict of the Rafezi narrated significations; a case study of Imamate" written by Fawaz ibn Ahmad ibn Ali Rezwan has claimed that the Shiite traditions regarding Imamate are contradictory and irreconcilable. Therefore, the principle of Imamate is a place of doubt. Using the descriptive-analytical method, the present research aims to answer the questions of the mentioned article about the number of imams. First, it quotes the claim and categorizes the traditions into seven groups: narrations of one imam, two imams, three imams, seven imams, twelve imams, thirteen imams, and twelve Mahdis after *Qaem* (Riser). Then, by examining the chain of transmission and the content of each tradition, it concludes that all of the traditions are weak in terms of their chain of transmission, and they conflict with the correct traditions in terms of their content, indicating the existence of twelve imams. In addition, some of them are incoherent. Assuming the acceptance of the chain of transmission and content of the traditions, the significations of some of them do not support the claim. On the contrary, they can be reconciled with the traditions indicating twelve imams.

Keywords: Imamate, Twelve Imams, Thirteen Imams, Fawaz ibn Ahmad ibn Ali Razwan, Resolving the Conflict of Traditions.

* Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran (Corresponding Author), zarnooshe@sru.ac.ir.

** Master's Student in Quran and Hadith Sciences, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran, elilavasani@gmail.com.

نقد ادعای فواز بن احمد بن علی رضوان درباره تعارض روایات شیعی مربوط به تعداد ائمه (ع)

حسن زرنوشه فراهانی*

الاهه حاج اسماعیل لواسانی**

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲]

چکیده

در منابع حدیثی شیعی، علاوه بر روایات فراوانی که تعداد امامان شیعه (ع) را دوازده نفر معرفی می‌کنند، روایات دیگری هم هست که در ظاهر با روایات دسته قبل در تعارض است و تعداد ائمه را متفاوت با عدد دوازده گزارش می‌کند. در مقاله‌ای به زبان عربی با عنوان «تعارض دلالات المرویات عند الرافضة؛ الامامة أنموذجاً» نوشته فواز بن احمد بن علی رضوان، با تمسک به همین روایات، ادعا شده است که روایات شیعی در باب امامت، متعارض و جمع‌ناشدنی هستند. لذا اصل امامت محل تردید و تشکیک است. در پژوهش حاضر با هدف پاسخ به شبهات مقاله مذکور درباره تعداد ائمه، و با استفاده از روش «توصیف و تحلیل»، ابتدا ادعای مطرح‌شده را ذیل هفت بخش روایات دال بر یک امام، دو امام، سه امام، هفت امام، دوازده امام، سیزده امام و دوازده مهدی بعد از قائم (عج) دسته‌بندی و گزارش می‌کنیم. سپس با بررسی سند و متن تک‌تک روایات چنین نتیجه می‌گیریم که تمام آنها از لحاظ سندی ضعیف، و از لحاظ متنی، متعارض با روایات صحیح دال بر وجود دوازده امام، یا دچار اضطراب متن هستند. به فرض پذیرش سند و متنشان هم دلالت برخی از آنها بر ادعای مطرح‌شده تمام نیست و با روایات دال بر دوازده امام جمع‌شدنی است.

کلیدواژه‌ها: امامت، دوازده امام، سیزده امام، فواز بن احمد بن علی رضوان، رفع تعارض روایات.

* استادیار گروه الاهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

zarnoshe@sru.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

elilavasani@gmail.com

مقدمه

امامت یکی از اصول اعتقادی پنج‌گانه مذهب تشیع است که در طول توحید و نبوت معرفی شده است. امام حسین (ع) در پاسخ به شخصی که درباره چیستی معرفت خدا پرسید آن را شامل تصدیق خدا، تصدیق پیامبر (ص) و اعتقاد به ولایت امام علی (ع) و دیگر ائمه (ع) و نیز برائت از دشمنانشان دانست (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۰/۱). بر این اساس، وجه متمایز و شاخصه مهم مذهب تشیع که آن را از دیگر فرق اسلامی جدا می‌کند موضوع امامت است. از این‌رو بخش اصلی تلاش‌های مخالفان مذهب تشیع که در برخی تألیفات و پژوهش‌های دانشگاهی نیز جلوه‌گر است، به خدشه وارد کردن در موضوع امامت اختصاص دارد. از جمله این پژوهش‌ها مقاله‌ای با عنوان «تعارض دلالات المرویات عند الرافضة؛ الامامة أنموذجاً» از فواز بن احمد بن علی رضوان^۱ است که در شماره ۳۶ مجله *كلية الدراسات الإسلامية والعربية للبنات بالاسكندرية* دانشگاه الأزهر در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است. نویسنده در این مقاله کوشیده است روایات شیعی در موضوع امامت را متعارض با یکدیگر نشان دهد. وی با گزارش روایات به‌ظاهر متعارض شیعی در پنج مسئله زیر در پی تشکیک در اصل مسئله «امامت» است:

۱. تعارض روایات نهی‌کننده از ذکر نام امام با روایاتی که نام ائمه در آنها برده می‌شود.

۲. تعارض روایات دال بر امامت منصوص ائمه (ع) با روایات ناظر به پذیرش شورا از

سوی آنان

۳. تعارض روایات تعیین‌کننده وقت ظهور با روایات دال بر عدم توقیت

۴. تعارض روایات درباره تعداد ائمه (ع)

۵. تعارض روایات دال بر عصمت ائمه (ع) با روایات ناظر به استغفار و اقرار ائمه در

خصوص گناه

از میان این پنج مسئله، مقاله حاضر به طور خاص ادعای «تعارض روایات درباره

تعداد ائمه» را بررسی و نقد کرده و پرسش‌های ذیل را محور کار خود قرار داده است:

۱. ادعای تعارض در روایات مربوط به تعداد ائمه، بر اساس چه روایاتی شکل گرفته

است؟

۲. راه‌حل رفع تعارض میان این روایات چیست؟

بدین‌منظور این مقاله، ابتدا روایاتی را دسته‌بندی و گزارش می‌کند که مبتنی بر آنها ادعای تعارض شده است. سپس با بررسی سند و متن روایات مد نظر و نگاهی به دیدگاه شارحان حدیث و استفاده از قواعد باب تعارض، به رفع تعارض می‌پردازد.

در پیشینه این مقاله می‌توان به دو دسته از آثار اشاره کرد. دسته اول، آثاری که به جمع‌آوری روایات شیعی و سنی دال بر اثبات دوازده امام بعد از پیامبر (ص) و دیگر شواهد مربوط به این موضوع پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر* از خزاز قمی (متوفای قرن ۴)، *مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر* از جوهری بصری (متوفای ۴۰۱ ه.ق.)، *من حدیث النبی یكون لهذه الأمة إثنًا عشر* قیما از مرتضی عسکری (متوفای ۱۳۸۶ ه.ش.)، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر* از لطف‌الله صافی گلپایگانی و *دوازده جانشین: پژوهشی در باب احادیث خلفای اثناعشر* از غلام‌حسین زینلی اشاره کرد. مقالاتی نیز در این باره نگاشته شده که شاخص‌ترین آنها چنین است: «امامان دوازده‌گانه در قرآن و سنت» از محمدباقر شریعتی سبزواری (۱۳۸۸: ۵-۲۶)؛ «بررسی روایات جانشینی حضرت رسول (ص) و بازتبیین انحصار آن در عدد دوازده» از قنبرعلی آل بویه و نصرت‌الله آیتی (۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۶۵)؛ و «بررسی قرائن روایی انحصار ائمه (ع) در عدد دوازده» از رحیم لطفی و محمد شهبازیان (۱۳۹۶: ۲۳-۴۸). اما دسته دوم، آثاری هستند که در مقام پاسخ به ادعای تعارض روایات مربوط به تعداد ائمه برآمده‌اند که از جمله آنها می‌توان به دو مقاله ذیل اشاره کرد: «بررسی احادیث موهیم سیزده امام در الکافی» از منصور پهلوان که پنج روایت از «باب ما جاء فی الإثنی عشر والنص علیهم» کتاب کافی را بررسی کرده که محتوایشان با عنوان باب در تعارض است و ظاهراً تعداد ائمه را سیزده تن می‌دانند (۱۳۹۲: ۲۵۷-۲۶۲) و «نقد و بررسی انگاره عدم انحصار شمار ائمه در عدد دوازده» از نصرت‌الله آیتی که به بررسی تعارض بین عدد دوازده و بیش از آن درباره تعداد ائمه پرداخته است (۱۳۹۸: ۴۹-۷۶).

بنابراین، اگرچه مکتوباتی روایات دال بر دوازده امام را گرد آورده‌اند یا حتی مقالاتی به ادعای تعارض میان عدد دوازده و سیزده در شمار ائمه پاسخ داده‌اند، اما باید دانست که

نقد ادعای فواز بن احمد بن علی رضوان درباره تعارض روایات ... / ۲۱۵

ادعای تعارض روایات شیعی درباره تعداد ائمه، منحصر به تعارض بین دوازده و سیزده نیست و گستره‌ای از تعارضات را در بر می‌گیرد که نیازمند تبیین و پاسخی جامع است که پژوهش حاضر در پی آن است.

۱. ادعای تعارض در روایات مرتبط با تعداد ائمه

نویسنده مقاله «تعارض دلالات المرویات عند الرافضة؛ الامامة أنموذجاً»، مدعی است که تعداد امامان شیعیان در روایاتشان، مابین اعداد ۱، ۲، ۳، ۷، ۱۲، ۱۳ و بیش از آن متفاوت است و این تفاوت و تعارض هم به گونه‌ای است که قابل جمع نیست (رضوان، ۲۰۲۰: ۱۷۱). وی برای اثبات مدعایش به روایاتی استناد می‌کند که به زعم او، مؤید دیدگاهش است:

۱.۱. روایات موهیم یک امام

وی می‌گوید برخی روایات شیعی بر این مطلب دلالت دارند که علی بن ابی‌طالب (ع) آخرین وصی است و در این باره به روایت صفار (متوفای ۲۹۰ ه.ق.) استناد می‌کند که با ذکر سند از امام علی (ع) چنین نقل می‌کند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي الْحِجَّازِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَتَمَ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ وَ خَتَمْتُ أَنَا مِائَةَ أَلْفِ وَصِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ وَصِيٍّ»^۲ (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۱۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۳۴۲ و ۸۹/۸۵)؛ «پیامبر خدا (ص) خاتم ۱۲۴ هزار پیامبر و من خاتم ۱۲۴ هزار وصی هستم». او این روایت را بیانگر منحصر بودن امامت به علی بن ابی‌طالب (ع) می‌داند (رضوان، ۲۰۲۰: ۱۷۱).

۱.۲. روایات موهیم دو امام

نویسنده مقاله مذکور مدعی است در برخی روایات، امام علی (ع) منصب امامت را برای فرزند خودش نیز اثبات کرده است و بدین ترتیب تعداد ائمه شیعه دو نفر است. وی برای اثبات این مطلب با بی‌دقتی کامل به روایت «مؤمن طاق» استناد می‌کند (رضوان، ۲۰۲۰: ۱۷۲) که در گفت‌وگوی خود با زید بن علی به او می‌گوید پدرش منصب امامت را به فرزند

دیگرش، یعنی محمد بن علی، سپرده است (نک: کشی، ۱۳۶۳: ۴۲۵/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۹/۴۶ و ۴۰۵/۴۷).

۱.۳. روایات موهب سه امام

وی معتقد است از برخی روایات شیعی چنین برمی‌آید که تعداد امامان شیعه سه تن هستند و بدین‌منظور به دو روایت استناد می‌کند؛ نخست روایتی که محمد بن سلیمان الکوفی (متوفای حدود ۳۰۰ ه.ق.) با ذکر سند از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: «[حدثنا] عثمان بن محمد قال: حدثنا جعفر قال: حدثنا يحيى قال: حدثنا حماد عن أبي الجارود: عن أبي جعفر [عليه السلام] قال: الْمَعْصُومُونَ مَنَّا خَمْسَةٌ: رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»^۳ (کوفی، ۱۴۱۲: ۱۶۲/۲)؛ «معصومان ما پنج نفرند: پیامبر خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین (صلوات الله عليهم اجمعين)». در روایتی دیگر نیز فرات کوفی (متوفای ۳۰۷ ه.ق.) با ذکر سند از زید بن علی مطلبی مشابه مطلب فوق نقل می‌کند:

فَرَأَتْ قَالَتْ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ ذَلِيلٍ مُعْتَمِرًا عَنْ عَلِيِّ بْنِ قَاسِمٍ [عَنْ أَبِيهِ] قَالَ سَمِعْتُ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: إِنَّمَا الْمَعْصُومُونَ مَنَّا خَمْسَةٌ لَا وَاللَّهِ مَا لَهُمْ سَكَادٌ وَ هُمُ الَّذِينَ نَزَلَتْ فِيهِمْ [فِيهِمْ نَزَلَتْ] آيَةُ [إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا] رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ [الصَّلَاةُ] وَالسَّلَامُ [وَالتَّحِيَّةُ وَالْإِكْرَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ] وَ أَمَّا نَحْنُ فَأَهْلُ بَيْتِ [الْبَيْتِ] نَرْجُو رَحْمَتَهُ وَ نَخَافُ [مِنْ] عَذَابِهِ لِلْمُحْسِنِينَ مَنَّا أَجْرَانِ وَ [أَخَافُ] عَلَيَّ الْمُسِيءِ مَنَّا ضَعْفَى الْعَذَابِ كَمَا وَعَدَ أَزْوَاجَ النَّبِيِّ [ص] [فِرَاتِ] كُوفِي، ۱۴۱۰: ۳۳۹-۳۴۰)؛ معصومان ما پنج نفرند و به خدا سوگند ششمی برای آنها نیست، و آنها کسانی هستند که آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» درباره‌شان نازل شده است که عبارت‌اند از پیامبر خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین (عليهم الصلاة والسلام)، و اما ما اهل بیت هستیم، که به رحمت خدا امیدواریم و از عذاب خدا بیمناکیم، نیکوکاران ما دو اجر دارند و گناه‌کار ما نیز دو عذاب دارد، همان‌گونه که خدا به همسران پیامبر (ص) وعده داده است.

نویسنده، این دو روایت را دال بر انحصار ائمه به سه تن می‌داند و می‌نویسد: «رافضه، امامت را مخصوص معصومان می‌دانند و تعداد معصومان در این روایت پنج تن معرفی شده است و اگر فاطمه (ع) را به دلیل مؤنث بودن از دایره امامت خارج کنیم، ائمه بعد از پیامبر (ص) سه تن هستند که عبارت‌اند از: علی، حسن و حسین (ع)» (رضوان، ۲۰۲۰: ۱۷۲-۱۷۳).

۱.۴. روایات موهم هفت امام

در ادامه مقاله، نویسنده برخی روایات را دال بر انحصار ائمه شیعه در هفت تن می‌داند و به روایتی از کتاب کشی (متوفای نیمه اول قرن ۴) استناد می‌کند:

حَدَّثَنِي خَلْفُ بْنُ حَمَّادٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ عَنْ دَاوُدَ الرُّقِّيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (ع) جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنَّهُ وَاللَّهِ مَا يَلِجُ فِي صَدْرِي مِنْ أَمْرٍ شَيْءٍ إِلَّا حَدِيثًا سَمِعْتُهُ مِنْ ذَرِيحِ يَرْوِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ لِي وَمَا هُوَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ سَابِعُنَا قَائِمُنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ صَدَقْتَ وَصَدَقَ ذَرِيحٌ وَصَدَقَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) فَازْدَدْتُ وَاللَّهِ شَكَاؤُكُمْ قَالَ لِي يَا دَاوُدُ بْنُ أَبِي كَلْدَةَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ لَأَنْ مُوسَى قَالَ لِلْعَالَمِ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا مَا سَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ وَكَذَلِكَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) لَوْ لَأَنْ قَالَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَكَانَ كَمَا قَالَ فَقَطَعْتُ عَلَيْهِ (كشَى، ۱۳۶۳: ۶۷۱/۲)؛ داود رقی می‌گوید که به امام رضا (ع) عرض کردم: فدایت شوم! به خدا قسم در دلم هیچ شکی درباره امامت شما نیست جز حدیثی که ذریح از امام باقر (ع) نقل کرده است. فرمود: و آن چیست؟ گفتم: شنیدم از او که می‌فرمود: هفتمی ما قائم ما است ان شاء الله. امام رضا (ع) فرمود: تو راست می‌گویی و ذریح نیز راست گفته و امام باقر (ع) نیز راست گفته‌اند. شکم زیادتر شد، آنگاه فرمود: ای داود! اگر موسی به خضر نمی‌گفت: «ان شاء الله مرا شکیبای خواهی یافت»، از خضر درباره چیزی سؤال نمی‌کرد؛ همین‌طور اگر امام باقر (ع) نمی‌فرمود: ان شاء الله، همان می‌شد که گفته بود. در این موقع قطع به امامت آن جناب پیدا کردم.

نویسنده از این روایت چنین برداشت می‌کند که امام هفتم شیعیان، قائم آنها خواهد بود (رضوان، ۲۰۲۰: ۱۷۳).

۱.۵. روایات دال بر دوازده امام

نویسنده معتقد است طبق برخی دیگر از روایات شیعی، ائمه دوازده نفرند. وی از میان انبوه روایات شیعی در این باره، فقط به این مطلب اشاره می‌کند که در کتاب *کافی* بابی با عنوان «بَابُ مَا جَاءَ فِي الْاِثْنَيْ عَشَرَ وَالنَّصِّ عَلَيْهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۲۵-۵۳۵) وجود دارد و حتی از بیان تعداد احادیث موجود در این باب هم خودداری می‌کند. علاوه بر این اشاره مختصر، روایتی از امام حسین (ع) را که در کتاب *عیون اخبار الرضا (ع)* نقل شده است نیز ذکر می‌کند: «مَنَا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا اَوْلَاهُمْ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ (ع) وَ اٰخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۶۸/۱)؛ «از ما دوازده مهدی است که اولین آنها علی (ع) و آخرین آنها نهمین فرزند از نسل من است و او کسی است که به حق قیام می‌کند».

۱.۶. روایات موهیم سیزده امام

از دیدگاه نویسنده، دسته‌ای دیگر از روایات شیعی، تعداد ائمه را سیزده تن معرفی می‌کنند. وی در این باره به سه روایت استناد می‌کند که به همان ترتیب مد نظر نویسنده، آنها را ذکر می‌کنیم. نخست روایتی که خزاز قمی (متوفای حدود ۴۰۰ ه.ق.) با سندی از امام حسن (ع) نقل می‌کند که فرمود: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي دَاوُدُ بْنُ اَلْهَيْثَمِ بْنِ اِسْحَاقَ النَّحْوِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي اِسْحَاقُ بْنُ اَلْبُهْلُولِ بْنِ حَسَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي طَلْحَةَ بْنُ زَيْدِ الرَّقِّيِّ عَنِ الزُّبَيْرِ بْنِ عَطَا عَنْ عُمَيْرِ بْنِ هَانِي الْعَيْسِيِّ [الْعَبْسِيِّ] عَنْ جُنَادَةَ بْنِ اَبِي اَمِيْدٍ [اُمِيَّةٍ] قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ اَلْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ ... وَ قَالَ وَ اَللّٰهُ اِنَّهُ لَعَهْدٌ عَهْدُهُ اِلَيْنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ (ص) اَنْ هَذَا اَلْاَمْرُ يَمْلِكُهُ اِثْنَا عَشَرَ اِمَامًا مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ» (خرزاز قمی، ۱۴۰۱: ۲۲۷)؛ «به خدا سوگند همانا آن عهدي است که پیامبر خدا (ص) با ما داشته که این امر را دوازده امام از فرزندان علی و فاطمه بر عهده می‌گیرند».

دومین روایتی که نویسنده به آن استناد می‌کند روایتی است که کلینی (متوفای ۳۲۹ ه.ق.) با ذکر سند از امام باقر (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْعَصْفُورِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ نَابِتٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنِّي وَأَنْتَ عَشْرَ مِنْ وُلْدِي وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضِ يَغْنِي أَوْلَادَهَا وَجِبَالَهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۴/۱)؛ «همانا من و دوازده تن از فرزندانم و تو یا علی، بند و قفل زمین، یعنی میخ‌ها و کوه‌های آن هستیم».

و در سومین روایت، صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) با ذکر سند از جابر بن عبدالله انصاری

چنین نقل می‌کند:

و رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ (ع) وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ أَحَدَهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيُّ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۸۰/۴)؛ «محضر فاطمه (ع) رسیدم در حالی که پیش رویش لوحی قرار داشت که در آن اسامی اوصیا از فرزندانش به تعداد دوازده نفر بود. نام یکی از آنها قائم، سه نفرشان محمد و چهار نفرشان علی بود».

نویسنده پس از ذکر این روایات می‌نویسد: «این روایات و شبیه به آنها، دلالت دارند که تعداد ائمه بدون احتساب علی بن ابی‌طالب دوازده نفر هستند» (رضوان، ۲۰۲۰: ۱۷۵).

۱.۷. روایت موهیم وجود دوازده مهدی بعد از قائم

نویسنده به عنوان آخرین نمونه از روایات متعارض درباره تعداد ائمه به روایتی استناد می‌کند که در آن بدون ذکر سند از امام سجاد (ع) چنین نقل شده است: «عن علی بن الحسین (ع)، أنه قال: يقوم القائم منا (یعنی المهدی) ثم يكون بعده اثنا عشر مهديا (یعنی من الأئمة من ذريته)» (ابن حبیون، ۱۴۰۹: ۴۰۰/۳)؛ «قائم ما (یعنی مهدی) قیام می‌کند، و پس از او دوازده مهدی (یعنی امامانی از نسل او) خواهند بود». مشابه این روایت و البته با ذکر سند و متنی کامل‌تر را شیخ طوسی در الغیبه آورده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۰-۱۵۱).

۲. نقد ادعای تعارض در روایات مرتبط با تعداد ائمه

در این بخش، شش دسته از روایاتی که نویسنده به آن استناد کرده (یعنی روایات موهم یک امام/ دو امام/ سه امام/ هفت امام/ سیزده امام/ و دوازده مهدی بعد از قائم)، بررسی و از لحاظ سندی و متنی نقد می‌شود تا تعارض آنها با روایات دال بر وجود دوازده امام رفع گردد.

۲.۱. بررسی و نقد روایات موهم یک امام

درباره روایتی که نویسنده به آن استناد کرده و برداشت وی از آن، به دو مطلب باید توجه داشت:

اولاً: درباره روای ای که روایت را از امام علی (ع) نقل کرده، یعنی ابوالحجاز، هیچ اطلاعاتی در کتب رجالی وجود ندارد، که در اصطلاح به چنین شخص و روایتی، «مُهمل» گفته می‌شود (نک: استرآبادی، ۱۳۸۸: ۸۹) که از اقسام حدیث ضعیف است. بنابراین، روایت مذکور از لحاظ سندی، ضعیف است. ثانیاً: به فرض پذیرش سند روایت، آنچه متن روایت بر آن دلالت دارد، اثبات خاتم‌النبین بودن پیامبر (ص) و خاتم‌الوصیین بودن امام علی (ع) است که چنین مضمونی در روایت دیگری از پیامبر (ص) نیز بیان شده است: «یا عَلِيُّ مَا سَأَلْتُ أَنَا رَبِّي شَيْئاً إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ غَيْرَ أَنَّهُ قَالَ لَا نُبُوَّةَ بَعْدَكَ أَنْتَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ خَاتَمُ الْوَصِيِّينَ» (نک: ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۷۳/۲): «ای علی! چیزی از خدا نخواستم مگر آنکه برای تو نیز همان را خواستم، جز آنکه خدا فرمود نبوت بعد از تو ادامه نمی‌یابد، تو خاتم پیامبران هستی و علی خاتم اوصیا است». به علاوه، این مضمون را همواره خود امیرالمؤمنین (ع) و ائمه پس از ایشان به عنوان فضیلتی مهم برای آن حضرت بر شمرده‌اند (نک: هلالی، ۱۴۰۵: ۷۱۲/۲؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۷۰). این در حالی است که خلفای پیامبر (ص) اعتقادی به وصایت پیامبر (ص) نداشتند و اساساً با انکار وصایت آن حضرت، ردای خلافت بر تن کردند (نک: ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ۲۳/۱-۲۴). در چنین فضایی است که ائمه (ع) می‌فرمایند همان‌طور که انبیای پیشین وصی‌ای برای خود تعیین می‌کردند، پیامبر (ص) هم علی بن ابی‌طالب (ع) را به عنوان وصی خود

تعیین کرده و علی (ع) خاتم اوصیای پیامبران است. بنابراین، حد دلالت روایت روشن است و نباید با یکی دانستن وصایت و امامت، معنای دلخواه خود را بر روایت بار کرد؛ چه میان «وصایت» و «امامت» تفاوت است و رابطه آنها از نوع عموم و خصوص مطلق است. بدین گونه که هر امامی، وصی هم هست، اما هر وصی‌ای لزوماً امام نیست.

۲.۲. بررسی و نقد روایت موهیم دو امام

با اندکی تأمل در روایت استنادی نویسنده و نحوه برداشت او از روایت مذکور، عمق بی‌اطلاعی وی از فرهنگ امامت شیعی مشخص می‌شود. زیرا او حتی نتوانسته است میان امام علی بن ابی‌طالب (ع) و امام علی بن الحسین (ع) تمایز قائل شود و با خلط میان اسامی این دو امام، زید بن علی و محمد بن علی الباقر (ع) را فرزندان امام علی بن ابی‌طالب (ع) به حساب آورده و نتیجه‌ای اشتباه را بر اشتباه قبلی‌اش بار کرده است!

۲.۳. بررسی و نقد روایات موهیم سه امام

نویسنده برای اثبات این مطلب به دو روایت استناد کرده است، که هر دوی آنها اشکالات جدی دارد. روایت اول از سه جهت اشکال دارد: ۱. راوی اصلی‌اش ابوالجارود است که برخی رجالیان او را تضعیف کرده‌اند. وی مشمول لعن امام صادق (ع) قرار گرفته (کشی، ۱۳۶۳: ۴۹۵/۲ و ۴۹۶) و تردیدی در ذم او نیست (حلی، ۱۴۰۲: ۲۲۳). بنابراین، از لحاظ سندی، ضعیف است؛ ۲. این روایت فقط در کتاب مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن ابی‌طالب اثر محمد بن سلیمان الکوفی (متوفای حدود ۳۰۰ ه.ق.) نقل شده و در هیچ کتاب دیگری، چنین نقلی وجود ندارد که نشانگر بی‌اعتباری آن نزد محدثان است؛ ۳. مضمون آن با روایات متعدد و معتبر دیگر که تعداد ائمه را دوازده تن معرفی می‌کنند (مثلاً نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۵/۱-۵۳۵) و عصمت را برای همه آنان اثبات می‌کنند (مثلاً نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۴/۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۳۳) در تعارض است.

روایت دوم نیز از دو جهت اشکال دارد: ۱. این روایت از زید بن علی بدون اتصال و اسناد به معصوم نقل شده است که در درایة الحدیث به چنین روایتی، «موقوف» می‌گویند که از اقسام حدیث ضعیف است و نزد اکثر علما حجت نیست (شهید ثانی،

۱۴۰۸: ۱۳۲-۱۳۴). بنابراین، این روایت از لحاظ سندی بسیار ضعیف است؛ ۲. علاوه بر ضعف سند، مضمونش نیز با روایت متعدد و معتبر دیگر که تعداد ائمه را دوازده تن می‌دانند (مثلاً نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۲۵-۵۳۵) و عصمت را برای همه آنان اثبات می‌کند (مثلاً نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۰۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۳۳) در تعارض است.

۲.۴. بررسی و نقد روایات موهیم هفت امام

روایتی که نویسنده در این بخش به آن استناد کرده از چند جهت اشکال دارد:

۱. سند روایت به دلیل وجود خلف بن حماد و ابوسعید ضعیف است. زیرا خلف بن حماد را اگرچه نجاشی (۱۳۶۵: ۱۵۲) توثیق کرده، اما ابن غضائری (۱۴۲۲: ۵۶) او را به دلیل تخیل در روایت تضعیف می‌کند، که دقت در روایات خلف بن حماد، ادعای ابن غضائری درباره او را ثابت می‌کند (ساعدی، ۱۴۲۶: ۱/۵۳۶ و ۵۳۷). درباره وثاقت یا ضعف ابوسعید (که مراد از او سهل بن زیاد الأدمی است) در میان رجالیان اختلاف نظر است که نویسندگان این مقاله دیدگاه جارحان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۵؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۲۸؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۶۶) را ترجیح می‌دهند.

۲. جدای از ضعف سند، مضمون آن نیز با روایت صحیحی که کلینی با ذکر سند از امام باقر (ع) نقل می‌کند در تعارض است: «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: يَكُونُ تِسْعَةُ أُمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۵۳۳)؛ «پس از حسین بن علی (ع) نه امام خواهند بود که نهمی آنها قائم است؛ یا با روایاتی که تعداد ائمه (ع) را دوازده تن و آخرین آنها را قائم معرفی می‌کند» (همان: ۱/۵۳۴).

۳. به فرض پذیرش سند و متن روایت، مضمونش را می‌توان به چند گونه توجیه کرد: الف. آن‌طور که امام رضا (ع) فرمودند: «وَاللَّهِ لَوْ لَأَنَّ مُوسَى قَالَ لِلْعَالَمِ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا مَا سَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ وَكَذَلِكَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) لَوْ لَأَنَّ قَالَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَكَانَ كَمَا قَالَ»، کلام امام باقر (ع) مشروط به خواست خدا شده و مانند کلام موسی (ع) به خضر (ع) است؛ ب. مراد امام باقر (ع) از «سَابِعُنَا قَائِمُنَا» هفتمین فرزند ایشان، یعنی

حضرت مهدی (عج)، است؛ ج. در روایتی به امام کاظم (ع) عرض می‌شود که امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّكَ أَنْتَ الْقَائِمُ بِهَذَا الْأَمْرِ» و امام کاظم (ع) در پاسخ می‌فرمایند: «أَوْلَمَ أَكُنْ قَائِمًا ... مَا مِنْ إِمَامٍ يَكُونُ قَائِمًا فِي أُمَّةٍ إِلَّا وَهُوَ قَائِمُهُمْ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱)، بر این اساس هر امامی در میان امتی قیام می‌کند و قائم آنان است.

۲.۵. بررسی و نقد روایات موهم سیزده امام

نویسنده در این قسمت به سه روایت استناد کرده است که به هر سه ایرادهایی وارد است.

روایت اول از دو جهت اشکال دارد: ۱. در سلسله سند آن به جز محمد بن وهبان البصری که توثیق شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶)، دیگر راویان یا مهمل یا مجهول‌اند. بنابراین، روایت از لحاظ سندی ضعیف است؛ ۲. این روایت در چهار قرن ابتدایی، در هیچ یک از کتب معتبر شیعه نیامده و برای اولین بار در کفایة الاثر ذکر شده است که نشانگر بی‌اعتباری آن نزد محدثان است و صحتش را با تردید مواجه می‌کند، به‌ویژه آنکه این کتاب در میان علما اعتبار چندانی ندارد و ایرادهای متعددی را بر آن وارد می‌دانند (نک: موسوی بروجردی، ۱۳۹۶: ۱۱۳-۱۲۴).

درباره روایت دوم نیز می‌توان به سه نکته اشاره کرد: ۱. راوی اصلی روایت، ابوالجارود است که رجالیان تضعیفش کرده‌اند (کشی، ۱۳۶۳: ۴۹۵/۲ و ۴۹۶؛ حلی، ۱۴۰۲: ۲۲۳)؛ ۲. تعبیر «اثنی عشر» در دیگر کتب به صورت «احد عشر» آمده است. از جمله شیخ طوسی در الغیبة این روایت را از ابوسعید عصفری چنین نقل می‌کند: «إِنِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي» (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۳۹)؛ ۳. این روایت صراحت بر وجود ۱۲ امام بعد از امام علی (ع) یا به غیر از ایشان ندارد، بلکه از ظاهرش چنین برمی‌آید که اشاره به وجود چهارده معصوم دارد؛ بدین ترتیب که ابتدا پیامبر (ص) نام خود را بیان می‌کند، سپس به دوازده معصوم اشاره می‌کند که مقصودشان حضرت زهرا (س) و یازده فرزند ایشان است و در نهایت نام امام علی (ع) را ذکر می‌کنند. مجلسی نیز ضمن اشاره به ضعف سندی این روایت، مراد از عبارت «اثنی عشر» را فاطمه (س) و یازده فرزند ایشان می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۲/۶).

در نقد روایت سوم نیز می‌توان سه مسئله را ذکر کرد: ۱. راوی این روایت هم مانند روایت قبل، ابوالجارود است که رجالیان تضعیفش کرده‌اند (کشی، ۱۳۶۳: ۴۹۵/۲ و ۴۹۶؛ حلی، ۱۴۰۲: ۲۲۳)؛ ۲. متن روایت دارای اضطراب است. در نقل صدوق تعبیر «أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ» آمده، اما کلینی روایت را با تعبیر «ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ» ذکر کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۲/۱) که به نظر می‌رسد تعبیر صدوق صحیح باشد. زیرا نام چهار تن از ائمه (ع)، علی است، نه سه تن. البته مجلسی در شرح بر کافی، ضمن اشاره به احتمال تصحیف متن، توجیهی را نیز برای نقل کلینی ذکر می‌کند، بدین‌گونه که «ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ» ناظر به فرزندان حضرت زهرا (س) است، نه تمام ائمه (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲۸/۶)؛ ۳. به فرض پذیرش سند و متن روایت، می‌توان متن روایت را چنین توجیه کرد که تعبیر «الأوصیاء من ولدها» از باب تغلیب است، یعنی چون یازده نفر از اوصیا، فرزندان حضرت زهرا (س) هستند، جابر چنین تعبیری به کار برده، و در ادامه با افزودن پدرشان، یعنی حضرت علی (ع)، تعداد آنها را دوازده تن بیان کرده است. لذا فاء در «فعددت» فاء تفریع است (همان: ۲۲۸/۶).

۲.۶. بررسی و نقد روایات موهم وجود دوازده مهدی بعد از قائم

نویسنده در این بخش به یک روایت استناد کرده است که اشکالات ذیل بر آن وارد است:

۱. شیخ طوسی در ابتدای سند آن تعبیر «اخبرنا جماعة» را آورده است که به دلیل مجهول بودن آنان، امکان بررسی رجالی درباره‌شان وجود ندارد. همچنین، دو نفر از راویان آن، یعنی علی بن سنان الموصلی و جعفر بن احمد المصری، مهمل‌اند، یعنی اسمی از آنها در کتب رجالی شیعه وجود ندارد و علی بن الحسین هم بین چندین نفر مشترک است و بررسی وضعیت رجالی‌اش امکان‌پذیر نیست. لذا این روایت از لحاظ سندی ضعیف است.

۲. در روایتی مشابه این روایت، اضافه‌ای در متن وجود دارد که توجه به آن می‌تواند کمی راه‌گشا باشد. ابوبصیر به امام جعفر صادق (ع) عرض می‌کند که: «يا اَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ أُبَيْكَ (ع) أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا» و امام صادق (ع) در

نقد ادعای فواز بن احمد بن علی رضوان درباره تعارض روایات ... / ۲۲۵

پاسخ می‌فرماید: «فَقَالَ إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَلَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مُوَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۳۵۸/۲). طبق توضیح امام صادق (ع)، امام نبودن دوازده مهدی بعد از قائم (ع) محرز است و مراد از آنها افرادی هستند که در زمان غیبت امام زمان (ع) مردم را به موالات و معرفت حق ائمه دعوت می‌کنند. البته باز هم علت ذکر ۱۲ مهدی به طور خاص مشخص نیست و ابهام روایت باقی است. این ابهام با در نظر گرفتن سند روایت تقویت می‌شود، چه سند آن به دلیل وجود علی بن احمد بن عمران الدقاق، که شخصی مجهول است و همچنین علی بن ابی حمزه که مشهور به دروغ‌گویی و دشمنی با امام رضا (ع) است (کشی، ۱۳۶۳: ۷۰۶/۲؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۸۳؛ حلی، ۱۴۰۲: ۲۳۱) تضعیف می‌شود و نشان می‌دهد که طرق مختلف این حدیث، ضعیف است.

۳. این روایت با روایاتی که تعداد ائمه (ع) را منحصر در عدد دوازده می‌دانند، در تعارض است (مثلاً نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲۵/۱-۵۳۵).
از این رو است که بسیاری از علمای شیعه، این قبیل روایات را مخالف مشهور دانسته و آن را به عنوان خبر شاذ و نادر معرفی کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۷: ۲۹۵/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۴۶۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱۵/۵۳؛ حر عاملی، ۱۳۶۲: ۱۱۵).

نتیجه

بر اساس آنچه گذشت:

۱. تمام روایاتی که مبتنی بر آنها درباره تعداد ائمه ادعای تعارض شده، از لحاظ سندی ضعیف‌اند و حتی یک روایت صحیح در این خصوص وجود ندارد.
۲. علاوه بر ضعف سند، تمامی آنها با روایات صحیح دال بر وجود دوازده امام، در تعارض‌اند و در صورت ممکن نبودن جمع دلالتی میان آنها، از درجه اعتبار ساقط می‌شوند که روایات موهیم سه امام و دوازده مهدی بعد از قائم از این سنخ‌اند.

۳. با چشم‌پوشی از ضعف سند و متن برخی از روایات، امکان توجیه و جمع دلالتی میان آنها با روایات صحیح دال بر دوازده امام وجود دارد که روایات موهم یک امام، هفت امام و سیزده امام این‌گونه‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. استادیار گروه الدراسات الاسلامیه، دانشکده‌العلوم والآداب، دانشگاه الملک خالد، استان مُحایل عسیر،

عریستان faardwan@gmail.com

۲. البته در مقاله مذکور، فقط به تعبیر «خَتَمْتُ أَنَا مَائَةَ أَلْفٍ وَصِي» اشاره شده است (رضوان، ۲۰۲۰: ۱۷۱)

که بیانگر فقدان دقت کافی نویسنده در برداشت از متون روایی شیعی است که متأسفانه این بی‌دقتی‌ها در قسمت‌های دیگر هم به چشم می‌خورد و در جای خود به آنها اشاره می‌شود.

۳. در مقاله حاضر، برخلاف مقاله مدعی تعارض، تمام احادیث با ذکر سند و متن (لازم در فهم حدیث) آنها نقل می‌شود تا امکان بحث‌های رجالی و دقت نظر در متن روایات فراهم شود و خطاهای احتمالی نویسنده مدعی تعارض در برداشت از متن روایات نیز آشکار گردد.

منابع

قرآن کریم.

آل بویه، قنبرعلی؛ آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۵). «بررسی روایات جانشینی حضرت رسول (ص) و بازتابین انحصار آن در عدد دوازده»، در: مشرق موعود، ش ۳۷، ص ۱۴۵-۱۶۵.

آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۸). «نقد و بررسی انگاره عدم انحصار شمار ائمه در عدد دوازده»، در: پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۹، ص ۴۹-۷۵.

ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (۱۴۱۰). *الإمامة والسیاسة*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*، تحقیق: مهدی لاجوری، تهران: جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). *کمال‌الدین و تمام النعمة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). *معانی الأخبار*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹). *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار (ع)*، قم: جامعه مدرسین.

ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲). *الرجال*، قم: دار الحدیث.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، تبریز: بنی‌هاشمی.

استرآبادی، محمد جعفر بن سیف‌الدین (۱۳۸۸). *لب اللباب فی علم الرجال*، تصحیح: محمدباقر ملکیان، تهران: اسوه.

پهلوان، منصور (۱۳۹۲). «بررسی احادیث موهّم سبیده امام در الکافی»، در: امامت پژوهی، ش ۱۲، ص ۲۵۷-۲۶۲.

جوهری بصری، احمد بن عبد‌العزیز (بی‌تا). *مقتضب الأثر فی النصّ علی الائمة الإثنی عشر*، قم: انتشارات طباطبایی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). *الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، تهران: نوید.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲). *رجال‌العلامة الحلی*، قم: الشریف‌المرتضی.

خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفایة الأثر فی النصّ علی الائمة الإثنی عشر*، قم: بیدار.

رضوان، فواز بن احمد بن علی (۲۰۲۰). «تعارض دلالات المرويات عند الرافضة؛ الامامة أنموذجاً»، در: *كلية الدراسات الاسلامية والعربية للنبات بالاسكندرية*، ش ۳۶، ص ۱۴۰-۱۹۰.

زینلی، غلام‌حسین (۱۳۸۶). *دوازده جانشین: پژوهشی در باب احادیث خلفای اثنا عشر*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ساعدی، حسین (۱۴۲۶). *الضعفاء من رجال الحديث*، قم: دار الحديث.

شریعتی سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۸). «امامان دوازده‌گانه در قرآن و سنت»، در: *انتظار موعود*، ش ۳۰، ص ۲۷-۵.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد (۱۴۰۸). *الرعاية في علم الدراية*، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹). *منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر*، قم: مؤسسة السيدة المعصومة (س).

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم*، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۷). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). *الغيبة*، قم: دار المعارف الإسلامية.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). *الامالی*، قم: دار الثقافة.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰). *فهرست كتب الشيعة و اصولهم*، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

عسکری، مرتضی (۱۳۹۸). *من حديث النبي صلى الله عليه و اله يكون لهذه الامة اثنا عشر قيما*، بی‌جا: بی‌نا.

فرات کوفی، ابوالقاسم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات کوفی*، تهران: مؤسسه الطبع والنشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي.

کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). *اختیار معرفة الرجال*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية.

کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۱۲). *مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن أبي طالب (ع)*، قم: مجمع احیاء الثقافة الإسلامية.

نقد ادعای فوازن بن احمد بن علی رضوان درباره تعارض روایات ... / ۲۲۹

لطفی، رحیم؛ شهبازیان، محمد (۱۳۹۶). «بررسی قرائن روایی انحصار ائمه (ع) در عدد دوازده»، در: پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۱، ص ۲۳-۴۸.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

موسوی بروجردی، حسن (۱۳۹۶). «چرا کار تکراری نکنیم؟! نقدی بر تحقیق کتاب کفایه الأثر خزاز قمی»، در: *آینه پژوهش*، ش ۱۶۵، ص ۱۱۳-۱۲۴.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: الهادی.

References

The Holy Quran

- Al Buyeh, Ghanbar Ali; Ayati, Nosratollah. 2016. "Barresi Rewayat Janeshini Hazrat Rasul (S) wa Baz Tabyin Enhesar An dar Adad Dawazdah (Investigating the Narrations of the Prophet's Succession and Reinterpreting Its Exclusivity in the Number Twelve)", in: *Promised East*, no. 37, pp. 145-165. [in Farsi]
- Askari, Mortaza. 2019. *Men Hadith al-Nabi (S) Yakuno le Hazeh al-Ommah Ethna Ashar Ghiyama (From the Hadith of the Prophet (S) This Nation Will Have Twelve Values)*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Ayati, Nosratollah. 2019. "Naghd wa Barresi Engareh Adam Enhesar Shomar Aemmah dar Adad Dawazdah (The Notion of Non-exclusivity of the Number of Imams in the Number of Twelve: Review and Critique)", in: *Studies of Mahdism*, no. 29, pp. 49-75. [in Farsi]
- Dinewari, Ibn Ghotaybah. 1990. *Al-Emamah wa al-Siyasah (Imamate and Politics)*, Researched by Ali Shiri, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Erbeli, Ali ibn Isa. 2002. *Kashf al-Ghommah fi Marefah al-Aemmah (AS)*, Tabriz: Bani Hashemi. [in Arabic]
- Estar Abadi, Mohammad Jafar ibn Seyf al-Din. 2009. *Lob al-Labab fi Elm al-Rejal*, Edited by Mohammad Bagher Malekiyan, Tehran: Osweh. [in Arabic]
- Forat Kufi, Abolghasem. 1989. *Tafsir Forat al-Kufi*, Tehran: Printing and Publishing Foundation in the Ministry of Islamic Guidance. [in Arabic]
- Helali, Solaym ibn Gheys. 1984. *Ketab Solaym ibn Gheys al-Helali*, Qom: Al-Hadi. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1981. *Rejal al-Allamah al-Helli*, Qom: Al-Sharif al-Mortaza. [in Arabic]
- Horr Ameli, Mohammad ibn Hasan. 1983. *Al-Ighaz men al-Hajah be al-Borhan ala al-Rajah*, Tehran: Nawid. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1982. *Maani al-Akhbar (Meanings of the Narrations)*, Researched Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1992. *Man la Yahzoroh al-Faghih (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1999. *Oyun Akhbar al-Reza (Selected Words of Imam Reza)*, Researched by Mahdi Lajewardi, Tehran: World. [in Arabic]

- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 2016. *Kamal al-Din wa Tamam al-Nemah (Completion of the Religion and Perfection of the Grace)*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Ibn Ghazaeri, Ahmad ibn Hosayn. 2001. *Al-Rejal (Transmitters)*, Qom: House of Hadith. [in Arabic]
- Ibn Hayyun, Noman ibn Mohammad. 1988. *Sharh al-Akhbar fi Fazaal al-Aemmah al-Athar (AS) (Explanation of the Narrations on the Virtues of the Pure Imams (AS))*, Qom: Teachers Association. [in Arabic]
- Jawhari Basri, Ahmad ibn Abd al-Aziz. n.d. *Moghtazab al-Athar fi al-Nas ala al-Aemmah al-Ethna al-Ashar*, Qom: Tabatabayi Publications. [in Arabic]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 1984. *Ekhtiyar Marefah al-Rejal*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Khazzaz Qomi, Ali ibn Mohammad. 1980. *Kefayah al-Athar fi al-Nass ala al-Aemmah al-Ethna Ashar*, Qom: Bidar. [in Arabic]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Osul Kafi*, Tehran: Islamic Books House. [in Arabic]
- Kufi, Mohammad ibn Solayman. 1991. *Managheb al-Imam Amir al-Momenin Ali Ibn Abi Taleb (Virtues of Imam the Commander of the Faithful Ali Ibn Abi Taleb)*, Qom: The Revival of Islamic Culture Complex. [in Arabic]
- Lotfi, Rahim; Shahbaziyan, Mohammad. 2017. "Barresi Gharaen Rewayi Enhesar Aemmeh (AS) dar Adad Dawazdah (Examining the Evidence of the Exclusivity of the Imams in Twelve)", in: *Mahdavi Researches*, no. 21, pp. 23-48. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1982. *Behar al-Anwar al-Jameah le Dorar Akhbar al-Aemmah al-Athar (Vast Oceans of Light Containing the Selected Narrations of the Infallible Imams)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1983. *Merat al-Oghul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul (Mirror of Intellects in the Explanation of the Narrations of the Prophet's Family)*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- Musawi Borujerdi, Hasan. 2017. "Chera Kar Tekrari Nakonim? Naghdi bar Tahghigh Ketab Kefayah al-Athar Khazzaz Qomi (Why not Repeat the Work? A Critique on the Research of Khazzaz Qomi's Book Kefayah Athar)", in: *Mirror of Research*, no. 165, pp. 113-124. [in Farsi]
- Najjashi, Ahmad ibn Ali. *Rejal al-Najjashi*, Qom: Islamic Publishing Corporation. [in Arabic]

- Pahlewan, Mansur. 2013. "Barresi Ahadith Muhem Sizdah Imam dar al-Kafi (Examining the Important Hadiths of the Thirteen Imams in al-Kafi)", in: *Imamate Studies*, no. 12, pp. 257-262. [in Farsi]
- Rezwan, Fawaz ibn Ahmad ibn Ali. 2020. "Taarooz Delalat al-Marwiyat end al-Rafezah; al-Imamah Anmuzajan (Conflict between the Significations of Rafezi Hadiths; Imamate as an Example)", in: *College of Islamic and Arabic Studies for Girls in Alexandria*, no. 36, pp. 140-190. [in Arabic]
- Saedi, Hoseyn. 2005. *Al-Zoafa men Rejal al-Hadith (Unreliable Transmitters)*, Qom: House of Hadith. [in Arabic]
- Saffar, Mohammad ibn Hasan. 1983. *Basaer al-Darajat fi Fazaal Al Mohammad (S) (Insights Degrees in the Virtues of the Family of Mohammad)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Safi Golpaygani, Lotfollah. 1998. *Montakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani Ashar (Selected Traditions about the Twelfth Imam)*, Qom: Lady Masumah Institute. [in Arabic]
- Shahid Thani, Zayn al-Din ibn Ali ibn Ahmad. 1987. *Al-Reayah fi Elm al-Derayah (Hadith Terminology)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Shariati Sabzewari, Mohammad Bagher. 2009. "Imaman Dawazdahganeh dar Quran wa Sonnat (Twelve Imams in the Quran and Tradition)", in: *Waiting for the Promised One*, no. 30, pp. 5-27. [in Farsi]
- Tabarsi, Abu Ali Fazl ibn Hasan. 1986. *Elam al-Wara be Alam al-Hoda*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 1990. *Al-Ghaybah (The Occultation)*, Qom: Islamic Teachings House. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 1993. *Al-Amali*, Qom: House of Culture. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 1999. *Fehrest Kotob al-Shiah wa Osulehem (List of Shiite Books and Their Sources)*, Qom: Researcher Tabatabayi Library. [in Arabic]
- Zeynali, Gholam Hoseyn. 2007. *Dawazdah Janeshin: Pajueshi dar Bab Ahadith Kholafay Ethna Ashar (Twelve Successors: A Research on the Hadiths of the Twelfth Caliphs)*, Qom: Research Institute of Hawzeh and University. [in Farsi]